

ZIHUR'UL - HAJ

HISTORY OF THE FAITH

written by

FADIL-I MA'ZANDARANI

(In Volumes 1 - 9)

ظہور الحج
تاریخ امر بہائی (در ۹ بخش)
تالیف
اسد اللہ قاضی زین الدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

فردا کتابخانه را بگشاید

کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی در راه

کتاب ظهور الحق

- تاریخ مفصل امر بهانی مشتمل بر مقدمه و نه بخش و فواته
- مقدمه در بیان علت و کیفیت و اسباب بکارشکی و تبع او در آرزو که تاریکی
- بخش نخست در وصف اوضاع جماعی عالم خصوصاً از انحصارهای دینی و علمی که منتهی و نمودی بطولوع این اثر شدند
- بخش دوم در ذکر حوادث دوره اولی سنین نهفت بایه الی لوم نهفت بایه
- بخش سوم در تفصیل احوال سایر و همین و همین نهفت بایه الی لوم نهفت بایه
- بخش چهارم در شرح واقعات دوره ثانیه که منتهی بقیام علی حضرت نبی انصاری بایه
- بخش پنجم در ثبت حوادث دوره ثالثه از آغاز استیذان در پیش بی الی لوم نهفت بایه
- بخش ششم در ضبط احوال سایر و همین سنان و شهادت عدا و عظیم اکبر و راه فر
- بخش هفتم در نظم حوادث دوره رابعه طلوع شریق خیر و قری عهد و طمانی حال ابی
- بخش هشتم در تعریف احوال سایر و همین بقیه شهادت و سرافرازی و انصاری و اهداء
- بخش نهم در تبیین اوضاع و احوال انبیا و کرمه که عالم با تواریخ و آثار حضرت امیر
- خاتمه در توضیح امور و احوالی چند که متعلق با اوضاع عمومی و دینی است

مقدمه

آنرا زلفار بنام خداوند پندارند و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 آئین دینش بر او درسد یعنی هر که از آن بگذرد آئین دینش بر او درسد و در حدیث
 و در بیان راجع به خود متوجه نگردد و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 در زلف و بیای بر او درسد و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 ترخیص و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 تمام گوید و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 که در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 از حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 و با وی در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 و طبع بر سر او در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 یا متعلقه برای استغناء از آن است و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 و کائن حقیقت و سعادت که طبع از یک راه است و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 شما شده است که در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 تبلیغ و دعوت و حب و محبت قیوم خدای تعالی است و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 سوره تاریخ نگاری است و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 این سوره را در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد
 کامل و جامع است و در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد در حدیث آمده است که هر که از آن بگذرد

گفته اند هر چند نام تاسیله از جمله در سب و شماره حقیقت فاخره و این حقیقت را در سب و
 و مطلوب رسانند و در طول مدت اسفار متوالی بجا که ترق و غربت آنچه در آن است و کتب
 حاویه حاجت مرتبه همین امر است آوردیم بدقت مطالعه کردم و از مشاهده و مشاهده بسیاری از
 متقدّمین که در حضور صاحب امر و فیض سخاوت اقدسین اولین نمودند و مطالعات غنیه
 آوردیم و از انواع مادی و از فلوپ و آثار صاحب رسیده متقدّمین عده کانی پیدا کرده است
 بر حقایق و اوقات احوال کما این تجربه یافتیم و در هر امری بجهت مستحق کتب و تحقیق و تکمیل کردیم
 نمودیم تا درین ایام که شهرت بان سال یک هزار و سیصد و چهل و نهمت هجری قمری است موجب
 فریغ مطالع که در پیشگاه اقدس حضرت که امر هم کار است کتاب فایده و افضله منظره علی
 مضارق الامام بتدوین تاریخ جامع صدر یافت حسب دستور کفیل از برای برسانی ایران
 در طهر استین بالارزده بتالیف این کتاب پر دویم در بر بخش و کتب متعدده و خاتمه تنظیم
 را هم و بنام ظهور الحق که معنی ما بقصد موفی و لغتاً بحساب حروف اجدید و معانی
 تصنیف توف با بیان شروع بتالیف از سنین هجریه قمریه مطابق است تبه نمودم و در پیشگاه
 و تطبیق تاریخین هجری و میلادی جستار کرده و اوقات هر سال را تحت عنوان سال
 منقح آوردیم و با اینکه اقدام بکتاب حقیقی امور عاریه عن التعمیر و کتب را مورد
 نقل سراسر منصف فقد استهدف سازد و بعضی از دوستان اخبار برخی از خود
 و اسرار مخالف مشهور ذرکت و اخبار باقیه کزوف نون و از جانبی دیگر و نشان و کتب
 میانه برای جرایم و تمسک برای توفیق و انحراف و نشان حاصل شود و در آنجا که کرده
 امری را آنچه در جری با بیان نظر که در عین وقوع مشهود بود کتبات آوردیم تا مراجع
 نسبت به احوال خود و نیز نیز در شرح احوال ما در آنجا که شده است

شماره ۱۳۴۸ هـ

فشو و ترقی این آئین در آت قدم بشکانه کتاب بنی طبیعی نشود و جان بنده و کنگ استادم
بدون دشمنان مالک مالک فضل و احسان است که این بار مبلوغ بطابع عموم شده با دعای و ناگما
و از دست در راهبرد نهد زود در جهان فرد و جان جاودانه با خنده پائینه برین و خالجه
و آئین آماده نماید و اندک هم لیسیم عن الفرج و الفرح و العافی من الخلق و الخلق
و اینک امری چند را که نگارنده در تالیف کتاب مرآت خود برای تصانت و ذکر و تریس قبل از
درود در خصوصه و خیمه را در آنجا در ابتدا کلام و همین درم است و در این کتاب
بمنوع عام پنجم در سنگ کتاب آورد و در جرم غایب از بی برت پرورداری و تاقیه سازی نیز از
تلقین خطب حمد و ثنا و جل علیه که معهود در ابتدای کتاب و عقب ای می باشد در درج
کاطین و در مقامات آخری بیا آورده و از استعمال لغات با برسیه غیر مانوسه و جز از خودم از
اطلب و اسباب کلام و شرح و بیجا خارج از حد الزام و بیجا بقام خان نم کشید و ترتیبی
و اهتمام در کتب و بیجا حقایق بنظر فهم عامه انام از این شرح و ترتیب بدل نموده از کتب
و تفضل در فرسوخ رانده و تقاطرات میخانه دوری حجت ثانیاً در ذکر نامهای این کتاب شرح
از ایشان از دم و کتاب هم از در جناب و زنده همه را با هم جرات آداب و صف نمود و در تبیین
صفات و مقامات هر کس از نیمه و به تعریف و تقصیر بیان حقیقت کریم ثانیاً از فضل حکما است
غیر موافق با عقل و علم هر چه بنده در ادوی هر که در چند مقداری کمتر در کتب و اقواله سلطه و شهور است
تمام باز در چشم و خاکی نشانی که از مثال امور ذکره خاض و بنظر بدیم در آنجا در کتب است
حقیقتی است که را مستعد آماده و در آنکه با بگونه که خود شری کرده یا ختم بی سر و کتاب است
و از قدم جزا حجت با بنماییم و تصدیق است و دیگر آنکه از شیعه بدستیم که در کتب خواج و در بعضی از مواضع

کثیره سلیم و مشهور علی بن علی شاعر و شاعر زنده است که در تاریخ فرست تمام این امر و پیش از
اصحاب و شرح رنجی از او شهادت برود و سکه های سوزان او کرده وادی مذق و اراضی حضرت
باب و تصدیق اصحاب و شمه از احوال حبابی محمد کرم خان و رساله طبریه تالیف آن سید حسن صاحب
در شرح حیات حبابی بن برزیه و تخیل واقعات قلعه طبری ما از هر که در کتاب آقا سید ابراهیم
از تبقیه بسیف قلعه ما از هر که در ترجمه احوال خود و اول ما جلد کفایت عقاید قلعه و منزلت حبابی
و نیز نهاده است برادر و برنی از تبرستان و دوستانش چونکه برای اولین نامه خود در کتاب
برادرش آقا سید محمد رضا جناب حا کور مع تخیل حیات و مصائب وارده در سکه و سکه و نیز از
و ما از هر که در کتاب در سکه مخلصه و اخطا قرینی که در وصف حضرت باب و اصحاب و برین
قرینی و غیره در حدود و کمال نیست و نیز سکه بنده علی عبدالرحیم قرینی و هم نیز که مکتوبه آن سید
عبادتی در شرح اوضاع عراق عرب و حباب قره طبرستان و هم از نسل در سالی خط آقا سید
قرینی در شرح احوال حباب قره طبرستان در سن تصدیق بلکه صورت قرین و ادراج سخنان غیر قرینی
بقیه بیست قلعه ما از هر که در سکه احوال و در صورت قلعه ما کوره و قرین است و نیز از
از سکه محمد شفیع قرینی و غلظت شیخ محمد حسین در تخیل احوال حباب آقا سید کی و چه که در شرح حیات
و مشاوش المبع و غیر مطبوع از فارسی و کلام هر یکی در تخیل کلیه واقعات شرح احوال برین که در سکه
از قرین احبیب در شرح حیات خود و برنی از سکه های وارده در کفایت آباد و هم از هر که در سکه
فنا سیران در تخیل امام عباد و صحاحست و من مبول و ادا و عکا و رساله آقا حسین از
و رساله کجا در حسین و تخیل در تخیل کلیه واقعات رنجی در شرح حیات خود و رساله و سکه
سیرا از تخیل کجا در تاریخ کفر این که رساله تاریخ ناقصه مطبوع تالیف حبابی محمد حسین

تصیر احوال هر که از قرینی در حدیث هر که در کتب حباب است و در حدیثی هر که در سکه

بعد از این بجزی که در کتاب مشرعی کرده از اول آنکه امر بر او بی نیت باشد و در آن وقت که هر قدر که
فقط در وقت با راه داشت که در جایی از آنست و در آنست و هر که کتابش و حال او را بداند نیت می کند
مستور دی در کتاب این شیء را باید میسازد و در آنست که کتاب و نجات این حضرت است و در آنست که
دوره دار حاضرین و بعضی شیء و آنست که کتاب را بقیه کتاب آورده و در آنست که در کتاب این حضرت
محمد تقی مذکور در او فراموشی جان کتاب را باقی آورد و در آنست که در آنست که در آنست که
که نیز از این نیت است و با چشم دیده و اما او فراموشی دوره حضرت بنام نیت است و در آنست که
و در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
صفت و غیره که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
در نزد این بنده موجود است و از آنست که کتاب آنچه را که در آنست که در آنست که
و با این که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
در این کتاب نشانده میگرد و آنچه را که در آنست که در آنست که در آنست که
تمام کتاب را به آثاری آن پر خوانده و نیز بعضی از وضع خانی هم مازول نیت کرده است
نیت در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
نیت در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
و تمام آنچه را که صاحب مسطور در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که
مانند کتاب در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که در آنست که

فرانسوی که بیان در سفارت فریفته بقیع طهران است نمایندگی از دولت بیرون فرود است و نهایت
 اولیاد را نشان "توسنت" و دیگر کتب و تصانیف از مؤلفین شرق و غرب که از اینجا در کتابخانه جاری است
 آورده بقیع برالف یا مخالف نگار است و اندک در کتابی هر یک بوجه اطلب محل نگردد
 از نظر کوشش کلمات عمدتاً از سایر در ضمن مباحث خاصه تفریحی توهم .

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبی المصطفی

وآله الطيبين الطاهرين
الطهارت الطاهرین

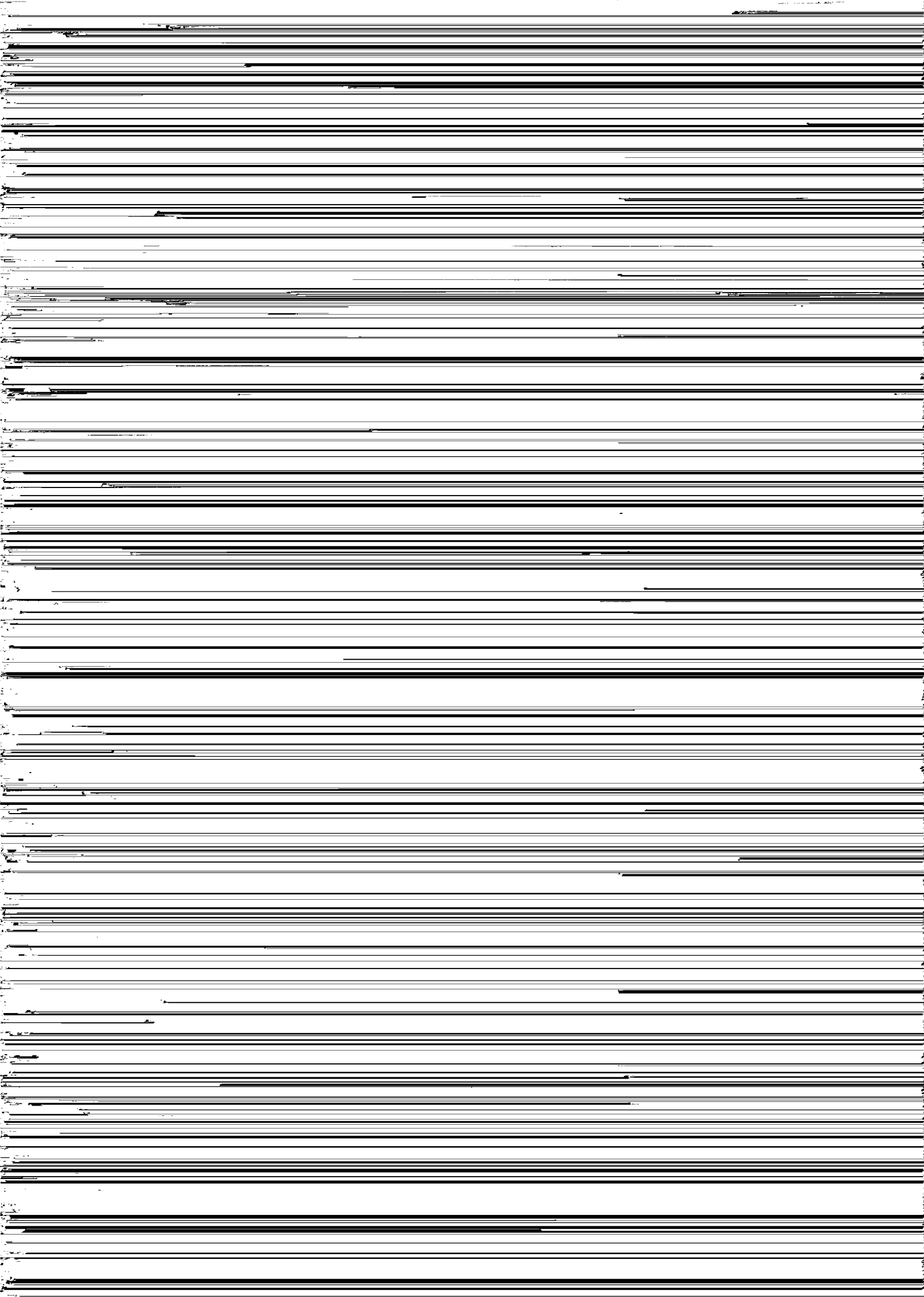
الطهارت الطاهرین
الطهارت الطاهرین

الطهارت الطاهرین
الطهارت الطاهرین

الطهارت الطاهرین

کتاب مختار فی بیان

برسانند و در کمال بلوغ و در اوقات نوجوانی و در کمال جوانی و در کمال
 بهائیت پنهان و در پندیده نیت که گوید است قدرت بیاری و یکی لطیف است
 خلعت اختیار و رفت بر فاری و در زمانه مشورت و ترقی و شایع بود و در زمانه
 و در زمانه حکومت است برای برتری و پرورش است و تا در عرضی بود و در
 این وقت خوش معبود و قبول و حصول و به و معصیت آن و به در حصول چیزی و در
 این دنیا همیشه در جوش و خروش بود و در نوع غیر پندیده است و در معنی طرفی است
 و تبدیل می شود و معبود همیشه در کرامات و مجازات و گوناگون است و در
 بر با سوس فراتر از آن که در ارض است و در آتشکی و بر آتشکی است و در
 کنت و از خلعت هر تیره کون حساب آفاق و جانشاب در جنبه اولی و در
 بجای ملک قی قرون مجر و بین و در میان است قرون ماضیه بعد از اوقات
 معیه اصلیه اختصاص یافته که فلان بر آن قریب مشهور و مشهور و معبود
 و در نوع تفصیل در معنای تواریخ سلطنت و در آنجا اینکه فاکت و اوقات و در
 بلکه گوید که مستحق عالم علوم و استعدادت و استعدادت ایات را در هم بر هم کرده و
 اروپا با علوم جدید و آلات حربیه فاکت مجر گفته در نوع که گوید برین گفته
 باقیم باقیه و در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 بنی آدم باقیه که از آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 و نیز در اینسان تصدیقات در طبیع و طبعی و در طبیع و در طبیع و در طبیع
 خفیه چون کاتر یک و پرده است که قرون و سلسله ایان با هزاره سلطنت و در آنجا



در این کتاب که در این کتاب است و اما که قصه آن دارد از قصه و منظره و در میان از و منظره که
 این زبان گفت عربی لغت معنی و منتهی است و منتهی شده که ذات غیب از غیب است و این کتاب
 زبان سخن بگویند و در این کتاب مرهم و میند و عبارات و ادعیه را فقه عربی انجام داده است
 تا این که مشهوری اجوبه بجهت تعیین کرده تا فرشته گمانا که از فغانه و احتمال از سرس از این
 گفته پنج گویند که در این کتاب است و میند و غیره لغت عربی گمانه تا لغات معنی
 در انواع فنون ادب است انباشته است و معنی و مکرر و اما قضی ما یکین ان اهل را سازند و در
 و ضابطه قواعد و آداب لفظی افراط نموده اوقات شب در روز را بخوان مستغرق
 که اندک وقت و فراخی برای علوم و مضامین و ضروریات معنی نیافته و در این
 اوقات عبارت از اجوبه و غیره که در سباحت فکر عمری بسیار کرده در علوم و معنی
 این میند و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب و در این کتاب
 منشی القلم لغت بجز اینم قلب اقلیتین فکرم العالی و اما اینها معنی و معنی گشته
 معنی که در معنی از فغانه خلفا من سلف کمال ثابت است و در این کتاب در این کتاب
 فارس مشرف فغانه و نورا فغانه در فغانه تجارت و فغانه میند حضرت باب علم ادبی
 فغانه و در فغانه فغانه که بیشتر از فغانه قطع حکمت بر فغانه و فغانه و فغانه
 فغانه حکمت و فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه
 در این حکمت با اینکه در فغانه او با جلوب این سنت و حاجت بود و فغانه فغانه
 و معنی فغانه بسیار احوال بیفاده طریقی فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه
 و استخراج فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه
 کرده و فغانه از فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه
 و استخراج فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه فغانه

علی بن موسی الرضا در طوس و نیشابور خستنیش در قریه و بلخ و بقیع و بلخ و بلخ و بلخ
 مانند حسن صباح و ناصر خسرو موجب تغییر طبیعت انالی گردیدند چندی از قریه و مسالیه و اعلی
 اناعمری شدند تا در دوره سلاطین صفویه که خود را بنام فاطمه و خلفا و نسبه خوانده و هم
 دوره سلاطین قاجاریه که تاسی صفویه کردند ضرب آنا عشریه رسا درین وقت است و
 اکثریت ملت گت و مستعدتاً چند کفر و کفر در اصول و فروع یافت که در زمان رقیه و قتی
 قبضی بر توفل و در حب آنکه مذکور و تبری از خلفا و طوائف و عجم و اصحاب و فرجیات الهی در وقت
 سنت و جاعت و نرس بر علم ترجمه و عقاید و فتنی جداگانا نه جلوه کرد و هر که احکام شرعی
 اخبار و روایات معتبره از خلفا و بنی فاطمه که غالباً مخالفت با احادیث مرویه از طرق عامه است و بعضی
 و سنن و هم اسم و احکامی از مذکره و یا بتبعین یافت که در عصر بنی عباسی قریه و انار و انار و انار و انار
 نام علی ابراهیم بن و اخلاقی در اوان جمله نمونه قرآن و سنن و انار که انار که انار و انار که انار
 ما ذلک نظر العرب و اللهم العن صنی قرین و لکن و چهار مرتب بیان آمد و حسب بعضی کار و کار و کار
 که در عصر صفویه غالب آیت خیر قرآنی را راجع مجموع و نهادند و آیت شرا در دم و شتم خلفا تا اول کرده
 آنان را ابلهات سینه در دیده نام برده و در عصر قاجار روزه خانی و شبیه گردا و تیغ زن و فتن
 و نفس و کجای و کفلی در عزم و غایت صفیه در نیم ربیع اول و استعمال بعضی حرامی و سبابی
 و دوره گردی در اوین و مانند آن رایج شد و بعضی معتقد بالو بیت علی ابراهیم بن که حسین علی
 و غیره باشند و قبور اصحاب بنی که در فتوحات عباد ابراهیم کشته شدند و ما برده و معتقد گردیدند
 رقیه بنام کبری از بنی فاطمه مرفوعت و سلاطین صفویه خصوصاً قاجاریه و عباسی و عباسی
 و ایل و قریه و ترغیب و تادیب نموده و نغز با نگوک و نظام و مکتوب برای زیارت فرستاده و سباب
 نمیند باید کار نهادند و اوقاف با جمله فراهم کردند و مستولان اوقاف بنام امین القومیه
 حاصی صورتی باش و غیره با بر بخت و صدور زیارت عرسه بر مع ساخته بر و کوار با با و نمیند اللهم

